

مدرسه ای با معماری متفاوت وسط بابل!

گفت و گو با «محمدرضا اصغرپور» نیکوکار مدرسه سازی که به یاد پسر مرحومش یکی از زیباترین مدرسه های ایران را ساخته و تصاویرش پربازدید شده است

ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

پنجشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۲

۲۳ محرم ۱۴۴۵ • ۱۰ آگوست ۲۰۲۴

شماره ۲۱۳۸۰

۲۵۰۰

زندگی سالم



زیبایی و امکانات داخل این مدرسه از بیرونش کم نمی آورد

حریق، دوربین های مدار بسته، شوقاژ، تهویه و... کامل است. یکی از اهدافم این بود مدرسه ای بسازم که ماندگار بشود. متأسفانه معماری های جدید همه به سمت سنگ رفته که با فرهنگ ما همخوانی و ماندگاری زیادی هم ندارد. اگر به نمای مدرسه مرحوم پورنگ دقت کنید، خیلی ساده هم هست، نمای آن ساده است اما معماری اش به گونه ای است که باعث جذابیت آن شده و تحسین هر مخاطبی را برمی انگیزد.

باکمال میل همچنان همه هزینه های این مدرسه بامن است

به آن باشد تا دانش آموزهایش احساس کم و کاستی نداشته باشند.



اسم مراسم افتتاحیه مدرسه را گذاشتم دامادی پسر مرحومم

یک بار وزیر وقت آموزش و پرورش هم آمده و از این مدرسه بازدید کرده است. مهندس «اصغرپور» درباره روزی که بعد از ۴ سال تلاش شبانه روزی شاهد به ثمر رسیدن تلاشهایش و افتتاح این مدرسه بوده است، می گوید: «بعد از این که ساخت این مدرسه تمام شد، مراسم افتتاحیه بزرگی در این مدرسه گرفتیم. از مسئولان آموزش و پرورش بگیری تا فرهنگیان و دانش آموزان زیادی در این مراسم پرشور شرکت کردند. اسم مراسم افتتاحیه را هم گذاشته بودم، مراسم دامادی پسر مرحومم. ناهار مفصلی هم در حیاط مدرسه به همه مهمان ها دادم و روز فراموش نشدنی برای من و خانواده ام بود. آن برنامه ۴ یا ۵ ساعت طول کشید. در پایان آرزو می کنم که روح پسرم قرین رحمت الهی باشد».

درس خواندن در مدرسه شیک، روی انگیزه دانش آموزان تاثیر دارد

مهندس با اشاره به این که در شبکه های اجتماعی دیدم که می گویند این مدرسه در خارج از کشور است و در ایران نیست و... می گوید: «این مدرسه از آخر خیابان مدرس در بابل که بسیار هم طولانی است، دیده می شود. از ۲ کیلومتری از هر ۴ طرف، مدرسه دیده می شود و چشمگیر است. بعضی ها می گویند که این مدرسه به نماد شهر بابل تبدیل شده که این لطف آن هاست و امیدوارم همین طور باشد. این جا ۵۵۰ تا ۶۰۰ محصل دارد و مدرسه دخترانه است. وقتی بچه ها در یک محیط شیک و تمیز درس می خوانند، قطعاً روی روحیه و انگیزه شان برای تحصیل تاثیر می گذارد. همچنین خیلی سریع خودشان را با محیط هماهنگ می کنند، یعنی ریخت و پاش و کارهایی که به زیبایی مدرسه آسیب بزند، خیلی کم اتفاق می افتد. بچه ها و مردم شهر خیلی از مدرسه استقبال می کنند و مدام به من پیام هایی می دهند که دعاگوی شما هستیم».

صفر تا ۱۰۰ معماری این مدرسه، کار خودم بوده است

به این مهندس نیکوکار می گویم که این مدرسه از لحاظ معماری باقیه مراکز آموزشی بسیار متفاوت است. «اصغرپور» می گوید: «در باره معماری اش باید بگویم همه آن چیزی که می بینید، نظرات و ایده های خودم بوده است که در ساخت این مدرسه اجرایی کرده ام. کوچک ترین و بزرگ ترین چیزهایی که در معماری اش به چشمم می آید و حتی همه ریزه کاری ها هم کار خودم بوده است. معماری اش را از خود معماری کلی مازندران الهام گرفتم. البته آن موقع در زمانی که اسکلت مدرسه را ساختم و بالا بردم، خیلی من را اذیت کردند و می گفتند شبیه کلیسا شده

از باکیفیت ترین مصالح در ساخت این مدرسه استفاده کردم

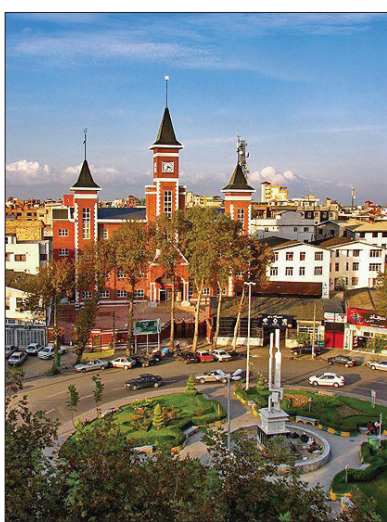
ساخت این مدرسه استفاده کردم. تقریباً ۴ سال تمام، شب و روز پای ساخت این مدرسه بودم و خوشحالم که نتیجه اش، مدرسه ای شد که هم خودم از آن راضی هستم و هم مردم خوششان آمده است.»



«رنگ آجر این ساختمان هم قرمز است چون سقف ساختمان های وقفی قدیمی در بابل همه سفالی و آجر قرمز بوده است». او با این مقدمه درباره درسهایی که برای خرید مصالح این مدرسه پشت سر گذاشته، می گوید: «مثلاً یکی از مشکلاتی که داشتم، این بود که آجر این رنگی (قرمز) آن موقع در بابل نبود، اما برایم مهم بود که این مدرسه با دقت و وسواس خاصی از لحاظ معماری ساخته شود. بنابراین رفتم از سنجند آوردم. یک کارخانه در آن جای پیدا کردم که سنگ قرمز را پودر می کردند، سپس پرس می کردند و این آجرها را خریدم و به بابل آوردم. جالب است بدانید تمام این آجرها را هم با سیم و گالوانیزه از پشت بستم که هیچ وقت موقع لرزه یا با گذشت زمان، خطری جان دانش آموزان را تهدید نکند. کلاً از بهترین و باکیفیت ترین مصالح برای

هزینه ساخت این مدرسه قابل مردم بابل را ندارد

این مدرسه در زمینی به مساحت ۲ هزار مترمربع در چهار طبقه به عنوان یکی از بزرگ ترین مدارس خیرساز کشور در سال ۸۸ افتتاح شده است.



از مهندس «اصغرپور» درباره هزینه های ساخت این مدرسه می پرسیم که می گوید: «راستش را بخواهید هزینه اش به پول امروز خیلی می شود ولی قابل دانش آموزان و مردم بابل را ندارد و دوست ندارم عددش را بگویم. این مدرسه ۳ هزار متر زیر بنا در ۳ طبقه و یک طبقه هم آمفی تئاتر دارد که می شود ۴ طبقه».

یک آمفی تئاتر با امکانات کامل در طبقه چهارم مدرسه ساختم

در این مدرسه، ۳ طبقه برای کلاس های درس است و ما اجرای ساخت طبقه چهارم آن که یک آمفی تئاتر با آیفن های زیادی است، ما جراهایی برای خودش دارد. مهندس «اصغرپور» می گوید: «در زمان ساخت این مدرسه، متوجه شدم که بابل، فاقد یک ساختمان اجتماعات برای دانش آموزان است. بنابراین در طبقه چهارم این مدرسه یک سالن آمفی تئاتر ۵۰۰ نفره ساختم تا برای امور فرهنگی و پرورشی دانش آموزان، کنفرانس های علمی، همایش های معلم ها و... استفاده شود. علاوه بر مجهز کردن آن به سیستم صوتی و تصویری، با امکانات مورد نیاز دیگر و مبلمان کامل تجهیزش کردم و آسانسور هم دار تا به کار بیاید. تا امروز همایش ها و جلسات فرهنگی زیادی در این طبقه مدرسه مان برگزار شده است».

به عنوان مهندس در ۷۰ یا ۸۰ پروژه بزرگ عمرانی حضور داشتم

از «محمدرضا اصغرپور» می خواهم به عنوان سوال اول، بیشتر از خودش برای ما بگوید: «مهندس راه و ساختمان هستم. دانش آموخته کارشناسی ارشد از دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه تهران و سال ۴۴ دانش آموخته شدم. از همان ابتدا هم در کار ساختمان سازی و پیمانکاری بودم و در ساخت حدود ۸ بیمارستان در سراسر ایران همکاری کردم. به عنوان پیمانکار در ساخت ساختمان مرکزی تولید رادیو ایران و حدود ۷۰ یا ۸۰ پروژه بزرگ عمرانی در شهرهای مختلف کشور حضور داشتم. در بابل هم برای ساخت بیمارستان آموزشی آیت... روحانی که آن هم حدود ۶۰ هزار متر زیر بنا دارد، مشارکت کردم. همچنین یک در مانگا و یک مسجد در بابل و یک مرکز دیالیز خون در کیلان ساختم».

ساخت این مدرسه ۴ سال طول کشید

«اصغرپور» درباره زمان ساخته شدن مدرسه «پورنگ» که به تازگی تصاویرش در شبکه های اجتماعی پربازدید شده، می گوید: «این مدرسه در سال ۸۸ افتتاح و ساختش از سال ۸۵ شروع شد و تقریباً ۴ سال طول کشید تا به بهره برداری برسد و مهیای حضور دانش آموزان شود. درباره این که چرا مدرسه را در بابل ساختم، باید بگویم که من خودم بچه بابل هستم اما از ۱۵ یا ۱۶ سالگی به تهران آمدم و الان شرکتی در تهران است».

به جای ارثیه، این مدرسه را برای شادی روح پسر ساختم

از او می پرسیم که ماجرای تصمیم اش برای ساخت این مدرسه با معماری زیبا چه بوده که می گوید: «از خیلی وقت پیش در برنامه هایم بود که یک مدرسه در بابل بسازم اما بعد از این که پسر جوانم در ۲۹ سالگی در یک سانحه تلخ تصادف از دنیا رفت، تصمیم گرفتم برای شادی روحش و به جای ارثیه ای که باید به او می دادم، این مدرسه را بسازم. می خواستم برای تسهیل علم آموزی قدیمی بردارم و این مدرسه را به دانش آموزان بابلی تقدیم کنم. بعد از ساخته شدن و تکمیل این مرکز آموزشی، مدرسه را هم به نام «پورنگ» گذاشتم، همان پسر بزرگم که فوت شده است».



مجید حسین زاده | روزنامه نگار

«مدرسه پورنگ بابل به جوریه که انگار وسط اروپایی»؛ این توضیح کوتاه با تصاویری زیبا و دلبرانه از یک مدرسه در شبکه های اجتماعی پربازدید شد.

پرونده

